

## پژوهشی پیرامون درفش شهداد قدیمی ترین پرچم شناخته شده در جهان



مرتضی رنجبر ملکشاه \*

### چکیده:

در پی کشف آثار باستانی توسط یک گروه زمین‌شناسی در شهداد، از سال ۱۳۴۷، کاوش در این شهر حاشیه کویر لوت توسط علی حاکمی آغاز شد. از همان ابتدا آثار به‌دست آمده نشان از شهری صنعتی و ثروتمند داشت. پژوهش‌ها نشان داد شهداد در نیمه دوم هزاره سوم ق.م یکی از چند شهر مهم شرق فلات ایران بود که بدنه اصلی شبکه تجاری اواخر این هزاره را تشکیل می‌داد. در کاوش‌های سال ۱۳۵۰ در یکی از قبور گورستان شهر شهداد درفشی مفرغی کشف شد که با اندازه ۲۳\*۲۳ سانتیمتر به‌وسیله دو قلاب متحرک فلزی به‌میله‌ای متصل شده بود. نقوشی که بر این پرچم حکاکی شده بود نمایانگر موضوعی غیرمذهبی است. بر روی این پرچم، حاکمی محلی در مجلس ضیافت تصویر شده است. علاوه بر این، نقوشی نمادین از حمله دو شیر به گاو کوهاندار، دو نوع درخت، اشکال نامعلوم هندسی و حاشیه‌سازی گیس‌بافت در این پرچم دیده می‌شود. بررسی بر روی این نقوش و همچنین دیگر آثار به‌دست آمده از شهداد نشان‌دهنده ارتباط فرهنگی این شهر با شهرهای دیگر از جمله جیرفت، شهرسوخته، باکتريا و مرغیانا در آسیای مرکزی و بمپور و موهنجودارو در دره سند است.

### واژگان کلیدی:

پرچم، درفش، شهداد، درفش شهداد، قدیمی‌ترین درفش جهان

## مقدمه

شاید کمتر کسی فکر می‌کرد که در منطقه‌ای مانند شهید که در نزدیکی یکی از گرمترین نقاط کره زمین قرار دارد، تمدنی ۵ هزار ساله وجود داشته باشد. شهید در ۷۵ کیلومتری شرق کرمان و در حاشیه کویر لوت واقع شده است. پیش از آن که شهید به دلیل آثار باستانی شهرت یابد، از لحاظ زمین‌شناختی اهمیت داشته است. در سال ۱۳۴۶ یک گروه تجسسی و تحقیقاتی از موسسه جغرافیایی دانشگاه تهران به سرپرستی دکتر احمد مستوفی (معصومی، ۱۳۸۳: ۳۰۳) در حین بررسی‌های میدانی تکه سفال‌هایی که در سطح تپه‌های کم ارتفاع پراکنده بود، جمع‌آوری و در بازگشت تحویل اداره کل باستان‌شناسی تهران داد و این منجر به کشف شهری صنعتی مربوط به نیمه دوم هزاره سوم ق.م در این ناحیه شد. شهید مجموعه‌ای از تپه‌های کم ارتفاع است که در پای بلندترین کوه‌های شرق کرمان (کوه‌های سیرچ و خفتان) واقع شده و به دلیل برفگیر بودن این کوه‌ها آب منطقه تامین می‌شده است.

## شهید

حفری‌های باستان‌شناختی در شهید از سال ۱۳۴۷ به سرپرستی مهندس علی حاکمی آغاز شد و به‌طور نامنظم تا سال ۱۳۷۳ ادامه یافت. شهید از یک لایه استقرار تشکیل شده (طلائی، ۱۳۸۷: ۱۵۵) و به‌صورت افقی گسترش یافته است. طبق یافته‌ها، شهید متشکل از سه قسمت کلی منطقه مسکونی، منطقه صنعتگران و گورستان است. از منطقه مسکونی شهید به دلیل محدودیت وسعت کاوش، اطلاعات اندکی در دست است. معماری خشتی منطقه مسکونی تنها در طی آخرین فصل‌های کاوش به‌دست آمد. (معصومی، ۱۳۸۳: ۳۰۹) منطقه صنعتگران اما بیشتر مورد پژوهش قرار گرفته است. تاکنون در شهید کارگاه‌های فلزکاری شامل کوره‌های ذوب فلز، قالب‌های ریخته‌گری، ابزارآلات مرتبط با فلزکاری و مقادیر زیادی سرباره حاصل از فرآیند ذوب فلز، کارگاه‌های سفالگری شامل محل ساخت و کوره‌های پخت سفال و کارگاه‌های ساخت ظروف سنگ صابون (طلائی، ۱۳۸۷: ۱۵۵) مورد شناسایی قرار گرفته است. مهمترین و شاخص‌ترین یافته‌های شهید از گورستان آن کشف شده است. این یافته‌ها شامل سفالینه‌های منقوش با نقوش هندسی و حیوانی، پارچه‌ها، انواع محصولات فلزی با کاربردهای مختلف، ظروف سنگی از جنس استاتیت (سنگ صابون) و سنگ مرمر، آثار خط ایلام کهن بر یک خمره و ... می‌شود. (حاکمی، ۱۳۵۱)

در نبود شرایط مناسب برای کشاورزی و محدودیت زمین‌های کشاورزی، تولیدات صنعتی و تجارت بخش مهمی از اقتصاد منطقه را در نیمه دوم هزاره سوم ق.م تشکیل می‌داد. این دورانی است که پی‌یر آمیه ایلام شناس معروف، به آن لقب دوره بزرگ تبادلات داخل دنیای ایرانی داده است. (سید سجادی، ۱۳۸۷: ۳۶۶) بر اساس داده‌های به‌دست آمده از شهید و شهر سوخته، شرق ایران در نیمه دوم هزاره سوم ق.م مرکز یک سلسله تبادلات بسیار نیرومند سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ارتباط با سایر

مراکز تمدن این دوران بوده است. انباشت ثروت ساکنان شهید از کثرت اشیای نفیس داخل قبور آشکار می‌شود. بی‌تردید این ثروت از رهگذر تجارت به‌دست آمده است. (طلائی، ۱۳۸۷: ۱۵۷-۱۵۶) به‌نظر می‌رسد شهید در نیمه دوم هزاره سوم ق.م به بلوغ کاملی رسیده و به یکی از قطب‌های اصلی و اولیه دنیای تجارت (سید سجادی، ۱۳۸۷: ۳۶۱) تبدیل شده است. پس از حدود سال‌های ۲۳۰۰ ق.م به احتمال بسیار زیاد شهید به یک واقعیت شهری اصیل در شرق ایران تبدیل می‌شود. به فاصله یکی دو سده بعد، شهر سوخته (یکی از مهم‌ترین مراکز صنعتی و تجاری در هزاره سوم ق.م) و به‌همراه آن، تمدن حوزه رود هیرمند از صفحه ژئوپولیتیک جهان باستان محو می‌شود، این خلاء به شهید امکان بیشتری برای گسترش ارتباطات تجاری و فرهنگی می‌دهد (اواخر هزاره سوم ق.م). این موضوع در تولید اشیای لوکس و تشریفاتی و ارزش‌های ایدئولوژیک برخی از اشیای مانند جواهرات، مهرها، مجسمه‌ها، اسلحه‌ها و اشیای تشریفاتی دیده می‌شود. (سید سجادی، ۱۳۸۷: ۳۶۶)

در پایان هزاره سوم ق.م بحرانی در روند پیشرفت تمدن شهری در بیشتر قسمت‌های فلات ایران و بخش‌های وسیعی از آسیای مرکزی پیش آمد و مناطق وسیعی حتی تا منطقه سند را در بر گرفت. در این زمان شهرهای بزرگ از بین رفته و روستاهای کوچکی به‌جای آن‌ها به‌وجود آمد. این بحران به‌جز شوش، دامنگیر تمامی شهرهای فلات ایران از جمله شهید شد.

## پرچم شهید

پرچم یا درفش شهید در کاوش‌های سال ۱۳۵۰ در یکی از قبور گورستان شهید کشف شد. این درفش شامل یک صفحه مربع شکل فلزی به ابعاد ۲۳\*۲۳ سانتیمتر است که به‌وسیله ۲ قلاب متحرک فلزی به میله‌ای به طول ۱/۱۹ متر (معصومی، ۱۳۸۳: ۳۰۸) متصل می‌شود. بر بالای میله درفش مجسمه عقاب با بال‌های گسترده قرار دارد. صفحه اصلی با فلزی نسبتاً ضخیم محصور شده است. (تصویر ۱)

نقوش ایجاد شده بر درفش شهید به شیوه قلمزنی و با ایجاد شیارهای به نسبت عمیق انجام گرفته است. آنچه که مشخص است، در شهید نقوشی که در ۲ بعد طراحی و ساخته می‌شد ضعیف‌تر از آثار ۳ بعدی بوده است. پیکره‌های گلی انسان‌ها در شهید و همان عقابی که بر بالای درفش شهید تعبیه شده این موضوع را اثبات می‌کند. (تصویر ۱ و ۲) گرچه پیشینه هنر ۲ بعدی با سفالینه‌های منقوش در فلات ایران سابقه‌ای هشت هزار ساله دارد، اما این شامل نقاشی آن هم با نقوش محدودتر می‌شود. آنچه که در درفش شهید دیده می‌شود، قلمزنی بر روی فلز و استفاده از ترکیبی به نسبت پیچیده از نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی و هندسی است. با آغاز هزاره سوم ق.م به تدریج با گسترش روزافزون شهرها به‌ویژه در جنوب غرب ایران، پادشاهان دولت شهرها و حاکمان محلی دست به ایجاد تصاویر روایی، عمدتاً به‌صورت حجاری بر صخره‌ها و سنگ‌ها زدند. آن‌ها سعی داشتند از طریق این حجاری‌ها پیام‌هایی را به مردم خود و شاید آیندگان برسانند. پژوهشگران پس از بررسی‌های فراوان خصوصاً

با ترجمه متونی که در کنار این نقوش برجسته حکاکی می‌شد، دست به تقسیم‌بندی این نقوش بر اساس موضوع و محتوا زده‌اند. به‌طور کلی نقوش برجسته ایران در هزاره سوم ق.م شامل موضوعات مذهبی (صحنه بارعام خدایان، صحنه قربانی برای خدایان، صحنه نیایش و صحنه حمل مجسمه خدایان) و موضوعات غیرمذهبی (صحنه بارعام، صحنه ضیافت و صحنه خانوادگی) می‌شود. به این ترتیب طبق پژوهش‌هایی که تاکنون در باره هنر روایی صورت‌پذیرفته، می‌توان مضامین صحنه‌ها را مشخص کرد. اما قبل از پرداختن به موضوع و محتوای نقوش پرچم شهداد باید تصاویر آن از نظر ساختاری بررسی شود.

درفش شهداد (طرح ۱) مملو از تصاویر روایی، طبیعی و نمادین است. مرکز درفش که بیشترین توجه را به خود جلب می‌کند به مردی با موهای بلند که بر یک صندلی نشسته، اختصاص داده شده است. مرد موصوف که عامدانه بزرگتر از بقیه نقوش در نظر گرفته شده، دست چپ خود را برای گرفتن شیئی (احتمالاً جام) از شخص روبروی خود دراز کرده است. تصویر روبروی مرد احتمالاً زنی را نشان می‌دهد که روبروی مرد بر روی زمین نشسته است. در مقابل این زن سبویی قرار دارد و در دست راست او جامی که به مرد تقدیم می‌شود. این مضمون به شکل بسیار جالبی در یک مهره لاجوردی به‌دست آمده از شهداد که از پهنا سوراخ شده (دیمز، ۱۳۸۸: ۱۵۴) تکرار شده است. هر دو رویه این شیء تزیین شده است.

یک روی آن مردی را نشسته بر تخت نشان می‌دهد و زنی در مقابل او که بر زمین نشسته و جامی را به او تقدیم می‌کند. بر روی دیگر این مهره به شکل جالبی جای مرد با زن عوض شده و زنی بر تخت تصویر شده که جامی را از مردی که روبروی او بر روی زمین نشسته، دریافت می‌کند. (دیمز، ۱۳۸۸: ۵۳) نکته جالب توجه این‌که بر هر دو رویه این مهره لاجوردی تصویر خورشید و ماه در بالای صحنه قرار گرفته است. در درفش شهداد نیز در بالای صحنه، تصویری شبیه به خورشید قرار دارد. این احتمال وجود دارد که در قسمت شکستگی کنار تصویر خورشید، تصویر ماه هم بوده باشد. این ترکیب‌بندی بارها و بارها خصوصاً در مهرهای مسطح در هزاره سوم ق.م در فلات ایران به‌کار رفته است.

استفاده از نقش خورشید در این درفش و مهرها و مهره‌های شهداد با توجه به این نکته که اغلب گورهای شهداد به‌علت جهت گردش خورشید شرقی-غربی‌اند (حاکمی، ۱۳۵۱) ممکن است به اعتقادات مذهبی در شهداد مربوط باشد. در پشت زن، تصویر کوچکی احتمالاً مربوط به ندیمه‌ای بر زمین نشسته قرار دارد که سبوی دیگری را آماده و به زن تقدیم می‌کند. در مقابل پاهای مرد تخت‌نشین نیز تصویر کوچکی از یک خدمتکار در نظر گرفته شده که دست خود را به سوی مرد بلند کرده است. به غیر از این چهار نفر، شخص پنجمی به حالت ایستاده با شیئی در دست (احتمالاً عصا) پشت مرد تخت‌نشین قرار گرفته است. با توجه به آنچه از نقوش برجسته این دوران سراغ داریم (صراف، ۱۳۸۷: ۹۲ و ۸۸) احتمالاً این شخص فردی صاحب منصب و مقام است.

حاشیه بالا و پایین درفش شهداد با نقوش اصطلاحاً گیس‌بافت تزیین شده است. با توجه به آثار به‌دست آمده از تمدن درخشان جیرفت که در مقاطعی هم‌دوره با شهداد بوده، می‌توان این نقش را مسبک شده نقش دو مار در هم تنیده دانست. (تصویر ۳) مار حیوانی است که در تفکر این دوران خصوصاً در جنوب غرب فلات ایران در ارتباط با ماورا بوده و وجهی مذهبی داشته است. این نقش تزیینی با هرچه مسبک‌تر شدن، از نظر محتوایی با نقش دو مار در هم تنیده فاصله‌گرفته و صرفاً کاربرد تزیینی می‌یابد. (تصویر ۴ - طرح ۲)

حدود یک سوم از سطح پایینی درفش شهداد به صحنه دو شیر در کمین گاو کوهاندار اختصاص یافته است. این صحنه دارای معنایی نمادین است. در دوره‌های جدیدتر خصوصاً در دوره هخامنشی از چنین مضامینی به‌منظور رخدادهای نجومی استفاده شده و حمله شیر به گاو را نمادی از وارد شدن خورشید در صورت فلکی حمل (بره) که همان برج اول خورشید و همزمان با آغاز فصل بهار و ترازوی بهاری (اعتدال ربیعی) است، می‌دانستند. در همین راستا والتر هینتس بر اساس نگرش «تاثیر فرهنگی ایلامیان بر هخامنشیان» در بازنمایی معنای نقش شیر و گاو در تخت جمشید می‌نویسد: «از آن‌جا که از لحاظ سنت و فرهنگ، ایلامی‌ها در پاره‌ای موارد از مهاجران پارسی برتر بودند، پارس‌ها تحت تاثیر عمیق اهالی محلی قرار گرفتند... تاریخ فرهنگ هخامنشی فقط با توجه به نحوه زندگی ایلامی‌ها قابل درک است... تصویر شیری که گاو نری را از پا در می‌آورد، جنبه‌ی نمادی دارد. ایلامی‌های باستان، فصل سرما را با گاو و فصل گرما را با شیر نمایش می‌دادند. بنابراین تصویرهای مورد بحث نمایانگر تغییر فصل، [رسیدن]... بهار و جشن نوروز است.» (هینتس، ۱۳۸۰: ۶۸-۶۷ و ۲۶۰) گرچه این احتمال وجود دارد که چنین تفکری در شهداد نیز وجود داشته باشد، اما با منابعی که در دسترس است نمی‌توان به‌طور قطع به چنین نتایجی رسید. دست‌کم می‌توان پذیرفت که این ترکیب‌بندی با عقاید مذهبی در ارتباط است. نمونه‌های مشابه با این نقش در آثار به‌دست آمده از جیرفت قابل مشاهده است. (تصویر ۵)

در نیمه پایین پرچم شهداد، در طرف چپ یک درخت نخل و در طرف راست دو درخت دیگر که نوع آن مشخص نیست، قرار داده شده است. با توجه به نمونه‌های فراوانی که از تصویر درخت نخل در آثار این دوره خصوصاً مهرها به‌دست آمده می‌توان به اهمیت این درخت هم از نظر تامین معاش و هم دیدگاه نمادین پی‌برد. همزمان با کاربرد این نقش در شهداد، نمونه‌های استفاده از این نقش در جیرفت و به‌صورت گسترده‌تر در جنوب غرب ایران خصوصاً شوش قابل مشاهده است. در شوش حتی برای تزیین دیوار معابد از طرح درخت نخل استفاده شده که این موضوع اهمیت نمادین آن را مشخص می‌سازد (تصویر ۶). نمونه‌های هسته خرما که از شهر سوخته، که همزمان با شهداد یکی از مراکز اصلی تجاری شرق فلات ایران بود نشان‌دهنده استفاده از محصول این درخت در هزاره سوم ق.م می‌باشد. اما در مورد دو درختی که سمت راست پرچم شهداد نقش شده نمی‌توان چندان سخن گفت. این دو درخت که نمونه‌های مشابه با آن بیشتر در



که مشغول انجام وظایف خود هستند و خورشیدی که بر بالای این صحنه قرار دارد. نکته مهم این‌که در این دوران خدایان با خصوصیات مشخص نمایش داده می‌شده‌اند. این خصوصیات عمدتاً شامل کلاه شاخدار، صندلی به شکل مار و مواردی که ظرفی در دست خداست و از آن مایعی به صورت فواره خارج می‌شود، است. نمونه‌های اثر مهر از شهید خدایان شاخدار را نشان می‌دهد، اما هیچ یک از این موارد در صحنه اصلی درفش شهید دیده نمی‌شود. به این ترتیب تردیدی باقی نمی‌ماند که با صحنه‌ای غیرمذهبی از ضیافت شاهانه مواجهیم. حضور خورشید بر بالای این مجلس احتمالاً به ارتباط ماورایی مرد تخت‌نشین اشاره دارد. (طرح ۱)

ساختار دوم مربوط به صحنه زیرین یعنی دو شیر که از دو طرف در کمین گاوی کوهاندار نشسته‌اند می‌شود. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، حضور این صحنه در این پرچم معنایی نمادین دارد. اما این‌که آیا به تغییر فصل و آغاز بهار اشاره دارد را نمی‌توان به صورت قطعی مشخص کرد.

ساختار سوم مربوط به درختان و مستطیلی می‌شود که در دو طرف صحنه اصلی قرار گرفته‌اند. حضور این درختان نمایانگر ارزش آنهاست. ارزشی که همخوانی بیشتری با تامین معاش دارد. این احتمال وجود دارد که اهمیت دادن به این نوع از درختان در شهید به نوعی به فرهنگ تبدیل شده و به آن‌ها نوعی تقدس داده است. تقدسی که نباید با مضامین مذهبی اشتباه گرفته شود. از طرفی برای مستطیلی که در کنار درختان نقش شده نمی‌توان تفسیر مشخصی ارائه کرد. به این ترتیب تفاسیری مانند باغ و یا معبد قابل قبول نیست. طرح حاشیه‌ای نیز مربوط به طرح مسبک مارهای بهم پیچیده می‌شود که در اینجا صرفاً کاربردی تزیینی برای حاشیه‌ی بالا و پایین پرچم دارد.

### نتیجه‌گیری

در نیمه دوم هزاره سوم ق.م شبکه تجاری وسیعی در فلات ایران به وجود آمد. آن‌چه که مشخص است این شبکه به محدوده جنوب غربی فلات ایران، جایی که حکومت مرکزی مقتدری توسط سلاطین ایلامی ایجاد شده بود، ختم می‌شد. البته دولت شهرهای بزرگ بین‌النهرین نیز توسط این شبکه تجاری تغذیه می‌شده‌اند. ابتدای این شبکه تجاری را می‌توان در نقاطی که دارای مواد اولیه فراوان مانند معادن فلزات کاربردی چون مس و معادن سنگ‌های صنعتی چون سنگ صابون و همچنین سنگ‌های نیمه قیمتی چون عقیق و لاجورد بودند، در نظر گرفت. در این بین، گاه شهری در کنار این منابع طبیعی شکل می‌گرفت (تپه یحیی نزدیک معادن مس و سنگ صابون) و یا در بین راه این شبکه شهرهایی صنعتی که عمده‌ی فعالیت‌های آن‌ها متمرکز روی اشیاء و ابزارآلات بوده گسترش می‌یافت (شهید و شهرسوخته). شواهد این امر را می‌توان در آثار به دست آمده از محوطه‌های باستانی مربوط به نیمه دوم هزاره سوم ق.م مشاهده کرد.

در این بین شهید به‌عنوان شهری که در حاشیه کویر لوت از شرایط طبیعی مناسبی برای انجام فعالیت‌های کشاورزی نیست، با تکیه بر فعالیت‌های صنعتی و به‌طبع آن تجاری، گسترش



طرح ۱: پرچم شهید



طرح ۲: نقش درختان بر ظروف سنگی جیرفت

آثار سنگی جیرفت مشاهده شده (طرح ۲)، در کنار مستطیلی که به ۱۰ مربع تقسیم شده قرار گرفته‌اند. در وسط هر مربع یک نقطه حک شده است. این‌که این شکل هندسی نشان‌دهنده چیست، مشخص نیست. برخی از محققان آن را نشان‌دهنده باغ دانسته و برخی نیز آن را معبد معرفی می‌کنند.

در مورد محتوای درفش شهید و مقصود سازنده آن به نظر نگارنده باید در ابتدا به تقسیم‌بندی ساختارها پرداخت. به‌طور کلی می‌توان سه ساختار مجزا و یک طرح حاشیه‌ای را در پرچم شهید مشاهده کرد. ساختار اصلی شامل انسان‌هایی است که در پرچم دیده می‌شوند، مردی که بزرگ‌تر از تمامی نقوش پرچم در نظر گرفته شده و بر تخت نشسته، زنی که روبروی او بر زمین نشسته و جام را به او می‌دهد، شخصی که پشت مرد تخت‌نشین با جسمی عصا مانند ایستاده، ۲ شخص دیگر (احتمالاً ندیمه)



تصویر ۲: پیکره گلی، شهداد



تصویر ۱: پرچم شهداد



تصویر ۴: طرف از جنس سنگ صابون، جیرفت



تصویر ۳: طرف از جنس سنگ صابون، جیرفت



تصویر ۶: دیوار آجری معبد اینشوشیناک، شوش



تصویر ۵: سنگ وزنه از جنس سنگ صابون، جیرفت

شانه‌ها برجسته‌تر از حد طبیعی شده و حالت T شکل به خود می‌گرفت. نکته جالب این‌که این خصوصیت شانه‌ها در مجسمه‌ها نیز تکرار شده است. این الگو در طراحی نقوش انسانی پرچم شهید مشهود است.

برخی از باستان‌شناسان شهید را با شهر ارت سومری و برخی با مارهاشی مذکور در متون سلسله سوم اور (سید سجادی، ۱۳۸۷: ۳۶۴) یکی می‌دانند. درستی این موضوع تا کشف مدارک مکتوب از شهید قابل سنجش نیست. اما در این نکته شکی وجود ندارد که کشف شهید را می‌توان یکی از مهمترین اکتشافات باستان‌شناسی دوران معاصر دانست. مهمترین اثری که از شهید به دست آمد مربوط به قدیمی‌ترین پرچم شناخته شده در جهان است. با توجه به نقوش متنوعی که بر روی این پرچم دیده می‌شود، می‌توان آن را نمادی از شهر شهید دانست. نمادی که پیام حاکمیت مردی را که احتمالاً برای خود مقام ماورایی قایل است را به همگان می‌دهد. پرچمی که در روزگار خود، به دور از زنگارهایی که گذر زمان بر آن ایجاد کرده، بسیار گویا و باشکوه بوده است.

یافت. تولیدات شهید عمده‌تاً شامل ظروف و ابزارآلات فلزی، ظروف سنگ صابون، جواهرات، مجسمه‌ها، مهرها و اشیای تشریفاتی می‌شده است. شیوه ساخت و تزیینات به کار رفته در این محصولات می‌تواند بر ارتباط فرهنگی شهید با دیگر شهرها دلالت کند. طبق پژوهش‌های انجام شده ارتباط میان اشیای شهید با باکتیریا، مرغیان و افغانستان شمالی چه از نظر فنی و هنری و چه شکل و شمایل به گونه‌ای است که می‌توان آن را به یک سلسله عوامل ایدئولوژیک مشترک مربوط دانست. (سید سجادی، ۱۳۸۷: ۳۶۴) همچنین گونه‌شناسی ظروف سنگ صابون شهید و مقایسه آن با دیگر نقاط نشان‌دهنده‌ی ارتباط با بمپور و موهنجوداروست. (طلایی، ۱۳۸۷: ۱۵۵) از طرفی روش طراحی و اجرای نقوش به خصوص نقوش انسانی در شهید و دیگر مراکز شهری همزمان مانند جیرفت برگرفته از الگویی است که احتمالاً در آن دوره‌ی زمانی در فلات ایران مراکز شهری ایلامی در جنوب غرب ایران به حالت استاندارد در آمده بود. در این الگو از کمر به پایین به حالت نیمرخ، از کمر تا گردن تمامرخ و سر به حالت نیمرخ ترسیم می‌شد. به این ترتیب

## منابع

۱. آمیه، پی. پی. «تاریخ ایلام». تهران: ترجمه شیرین بیانی انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۹
۲. پاتس، دنیل تی. «باستان‌شناسی ایلام». ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت ۱۳۸۸
۳. حاکمی، علی. «راهنمای نمایشگاه دشت لوت، خبیص (شهید)»، گزارش‌های اولین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، ۱۳۵۱
۴. دیمز، اورلی. «تندیس‌گری و شمایل‌نگاری در ایران پیش از اسلام». ترجمه علی اکبر وحدتی، نشر ماهی، تهران، ۱۳۸۸
۵. سید سجادی، سید منصور. «نخستین شهرهای فلات ایران». (جلد ۲)، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۷
۶. صراف، محمد رحیم. «نقوش برجسته ایلامی». انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۷
۷. طلایی، حسن. «عصر مفرغ ایران». انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۷
۸. کابلی، میر عابدین. «شهید مرکز ایالت آراتا». مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ص ۶۲-۵۰، ۱۳۶۵
۹. کابلی، میر عابدین. «گزارش دهمین فصل کاوش در شهید». گزارش‌های باستان‌شناسی، شماره ۱، نشر میراث فرهنگی، ۱۳۷۶
۱۰. مجید زاده، یوسف. «سرزمین آراتا». کند و کاو، ص ۱۰-۱، ۱۳۵۹
۱۱. مجید زاده، یوسف. «آیا ارت خاستگاه تمدن سومری است؟». مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ص ۱۳-۳، ۱۳۸۰
۱۲. معصومی، غلامرضا. «تاریخچه علم باستان‌شناسی». انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۳
۱۳. واندنبرگ، لوئی. «باستان‌شناسی ایران باستان». ترجمه عیسی بهنام، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۹۰
۱۴. هینتس، والتر. «داریوش و پارس‌ها». ترجمه عبدالرحمان صدریه، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰
۱۵. هینتس، والتر. «دنیای گمشده‌ی عیلام». ترجمه فیروزه فیروزه نیا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶
16. Hansman (1972), «Elimites, Achaemenians and Anshan» IRAN X, pp.101-124; Id. (1978), «The Question of Arratta», JNES, XXXVII, pp. 331-336
17. Lamberg-Karlovsky and Sabloff, (1995), op. cit., pp. 4-183
18. Liverani (1986), op.cit, pp.97-100
19. Salvatori, Tosi and Vidale (2001), op. cit., pp. 32-37
20. Steinkeller (1982 «The question of marhashi», in zeitschrift der Assyriologie 72: 237-265
21. Tosi (1986), «The Archaeology of Early states in middle Asia» in RRIENS ANTIQVVS, Vol. XXV. Fascicolo: 3-4, pp 153-187